



آیا اعتقاد به آمدن منجی در آینده مخصوص مسلمانان و به ویژه شیعیان است؟

فوتوریسم (1) به معنای اعتقاد به ظهور یک نجات دهنده بزرگ آسمانی و امید به آینده روشن که در آن، نگرانیها و هراسها مرتفع گردد و به برکت ظهور یک شخصیت ممتاز الهی، همه تاریکیها از پهنه گیتی برچیده شود و ریشه ظلم و جهل و تباهی از روی کره زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره، همه جا و همه زمانها، نزد تمام ملتها شایع و رایج بوده است.

در کتاب های مربوط به مذاهب به نام ها و القاب مختلفی بر می خوریم؛ برای نمونه:

در مذهب یهود: سرور میکائیلی، عزیر، منحاس، ماشیح؛

در مذهب مسیحیت: مهمید آخر، مسیح، پسر انسان؛

در مکتب زرتشت: سوشیانس؛

در مکتب هندوها: ویشنو، منصور، فرخنده؛

در مکتب بودا: مایتریا، بودای پنجم؛

در مذهب اسلام: مهدی، قائم؛

آنچه از تاریخ امته استفاده می شود، این است که مسأله عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخرالزمان، به نام منجی موعود جهان، به قدری اصیل و ریشه دار است که در اعماق دل ملتها و پیروان همه ادیان الهی و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است، تا جایی که در طول تاریخ بشریت، انسانها در فراز و نشیبهای زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات می دادند و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می کنند.

باید توجه داشت در ادیان، منجی به افراد مختلفی اطلاق می شود؛ ولی در ویژگی های دوران ظهور، مشترکات فراوانی یافت می شود. تحت یک آیین قرار گرفتن مردم در دوران ظهور، اجرای عدالت فراگیر، نابودی مظاهر شرک و فساد، امنیت و آرامش کامل، حق گرایی عموم مردم، از بین رفتن فقر و آشکار شدن همه زیبایی ها، چیزی

است که ادیان برای ظهور به تصویر کشیده اند.

دیدگاه دین اسلام درباره ظهور منجی چیست؟

در دین مقدس اسلام، مسأله موعود و منجی، به روشنی مطرح شده است. قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان، در آیات متعدد به حاکمیت صالحان بر زمین و غلبه دین حق، اشاره دارد. از جمله آن ها آیه 105 از سوره انبیا است. (2) خداوند، در این آیه تصریح می کند که زمین را بندگان صالح من به ارث می برند و در اختیار میگیرند. همچنین تصریح می کند که این امر، حقیقتی است که در کتب انبیای گذشته نیز بدان اشاره شده است. در آیه 55 از سوره نور خداوند، به انسانهایی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند، وعده می دهد که خلافت و حکومت در زمین را به آنان وامی گذارد و دینشان را پابرجا و برقرار می سازد و در چنین زمانی، آرامش و امنیت کامل، در جهان ایجاد می شود و آدمیان به عبادت و بندگی خدا می پردازند.

خداوند، در سه جای قرآن (توبه: 33 و 34 فتح: 28 صف: 8) تصریح می کند، دین اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد کرد؛ هر چند کافران و مشرکان نخواهند و خود را شاهد بر چنین رویدادی معرفی می کند. البته، با توجه به روایاتی که در تفسیر و تبیین آیات الهی از پیشوایان معصوم صادر شده است، می توان دریافت که بیش از 250 آیه از آیات قرآن، به امام مهدی (عج) و حاکمیت عدل و دین، اشاره دارد. (3) علاوه بر قرآن کریم، روایات متعددی از پیامبر و امامان معصوم (ع)، درباره ظهور موعود و منجی، صادر شده است، به این مضمون که در آخرالزمان، فردی از فرزندان پیامبر که هم نام او است، قیام خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد می کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.

اعتقاد به ظهور امام مهدی (ع) چنان در میان مسلمانان ریشه دارد که علاوه بر آن که مورد قبول همه فرقه ها است و در کتب روایی مهم شیعه و سنی روایات متعددی درباره او ذکر شده است، کتابهای متعددی نیز ویژه آن حضرت به رشته تحریر در آمده است؛ برای نمونه، می توان از کمال الدین و تمام النعمه، اثر شیخ صدوق، الغیبه، نوشته نعمانی و کتاب الغیبه، نوشته شیخ طوسی از علمای گذشته و منتخب الأثر، اثر لطف الله صافی گلپایگانی از علمای معاصر شیعه، نام برد یا به الفتن، اثر ابن حماد و الاربعین، تألیف ابونعیم اصفهانی از اهل سنت اشاره کرد. در خطبه 138 نهج البلاغه نیز، درباره امام مهدی (ع) و ظهور او مطالبی مطرح شده است.

در سنن ابوداود که از کتابهای مهم اهل سنت است، در باب «ما جاء فی المهدی» حدیث شماره 3735 از ام سلمه نقل شده است که: سمعت رسول الله يقول: «المهدی من عترتی من ولد فاطمة»؛ شنیدم پیامبر فرمود: «مهدی، از عترت من از نسل فاطمه است».

در حدیث شماره 3736 از ابی سعید خدری نقل شده است که رسول الله (ص) فرمود: «المهدی منی اجلی الجبهة اقنى الانف یملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً؛ مهدی، از من است. او، فراخ پیشانی و... است. زمین را از عدل و داد پر می کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده است». (4)

ذکر این نکته مناسب است که به اعتقاد شیعه، امام مهدی (ع) فرزند امام حسن عسکری (ع) است که در سال 255ق به دنیا آمد و اکنون در پرده غیبت قرار دارد و تا زمانی که خداوند اذن ظهور و قیام دهد، زنده است؛ ولی به اعتقاد اهل سنت، او به دنیا نیامده است؛ بلکه در آخرالزمان و حدود چهل سال پیش از ظهورش، متولد خواهد شد.

آیا درباره امام مهدی (ع) اعتقاداتی وجود دارد که شیعه و عامه (اهل سنت) در آن ها اتفاق نظر داشته باشند؟

با رجوع به روایات موجود در منابع روایی و با نگاه به کلمات بزرگان و علمای هر دو فرقه، به موارد متعددی برمی خوریم که مورد قبول و اتفاق آن ها می باشد، از جمله:

الف. هر دو گروه، ظهور حضرت مهدی (ع) را امری قطعی می دانند. مرحوم شهید صدر از علمای بزرگ شیعه در این باره می فرماید: به راستی اعتقاد به حضرت مهدی در جایگاه پیشوای منتظر برای تغییر جهان به جهانی بهتر، در احادیث پیامبر (ص) به طور عموم و در روایات اهل بیت (ع) به طور خصوص آمده است و به حدی بر این مسأله تأکید شده است که جای هیچ شکی برای انسان باقی نمی گذارد. (5)

همچنین مرحوم شیخ محمد رضا مظفر از دیگر بزرگان مکتب شیعه می فرماید: مسأله بشارت به ظهور مهدی (ع) از اولاد فاطمه (س) در آخر الزمان و اینکه زمین را از عدل و داد پر می کند بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد، از مسائلی است که به طور متواتر از پیامبر (ص) رسیده است و مسلمانان در کتاب های روایی خود، آن ها را نقل کرده اند. (6)

ناصر الدین البانی از بزرگان اهل سنت می گوید: اما مسأله مهدی، باید دانسته شود که درباره خروج او احادیث صحیح بسیاری وارد شده است. (7)

شیخ عبد المحسن بن حمد العباد از دیگر اندیشمندان اهل سنت می گوید: همانا کثرت احادیث مهدی (ع) و تعدّد طرق آن ها و اثبات آن ها در کتاب های اهل سنت به حدی رسیده است که بسیار دشوار به نظر می رسد بتوانیم بگوییم حقیقتی ندارد، مگر اینکه کسی جاهل بوده یا اهل جدل باشد، یا در سندهای آن ها دقت نکرده باشد و بر کلام بزرگان اهل علم واقف نباشد. (8)

ب. یکی دیگر از مسائل مورد قبول هر دو گروه، موضوع فراگیر بودن دعوت و حکومت حضرت مهدی (عج) است. خداوند متعال در قرآن کریم به این مطلب اشاره کرده و می فرماید: **(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ)** (9) خداوند، به کسانی که ایمان آورده و نیکوکار شوند، وعده داده است آنان را بر روی زمین خلافت دهد.

امام باقر (ع) درباره گستره حکومت حضرت مهدی (عج) فرمود: **«يَمْلِكُ الْقَائِمُ ثَلَاثَمِائَةَ سَنَةٍ وَيَزِدَادُ تِسْعًا كَمَا لِبَثِ أَهْلِ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا»** (10)

قائم 309 سال مالک زمین می شود و در آن، حکومت می کند؛ همان گونه که اهل کُهِف در غارشان درنگ کردند. زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. خداوند برای او شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد.

احمد بن حنبل از بزرگان عامه و سر سلسله گروه حنابله، به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده است که فرمود: «**تملاً الارض ظلماً و جوراً ثم يخرج رجل من عترتي يملك سبعا او تسعا فيملأ الأرض قسطاً و عدلاً**»؛ (11) زمین پر از ستم و ظلم می شود. در این هنگام، شخصی از عترتم خروج می کند و در مدت هفت یا نه سال مالک کل زمین خواهد شد. در این هنگام، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

ج. با رجوع به روایات رسیده از هر دو گروه، پی می بریم که همگی اتفاق دارند لقب منجی جهانی، «مهدی» است. مرحوم علامه مجلسی از پیامبر اکرم) نقل می کند که فرمود:

«**يخرج المهدي و على رأسه غمامة فيها مناد ينادي هذا المهدي خليفة الله فاتبعوه**»؛ (12) مهدی خروج می کند، در حالی که بالای سر او ابری است و میان آن ابر، کسی است که ندا می کند: «این، مهدی خلیفه خدا است. او را پیروی کنید».

حاکم نیشابوری از علمای حدیث عامه به سند خود از ابو سعید خدری نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود: «**المهدي منا اهل البيت؛ مهدي، از اهل بیت است**». (13)

د. از دیگر مواردی که همه مسلمانان اتفاق نظر دارند این که مهدی موعود (ع) از ذریه پیامبر اکرم (ص) و از فرزندان فاطمه زهرا (س) است.

امام باقر) فرمود: «**المهدي رجل من ولد فاطمه؛ مهدی مردی از اولاد فاطمه است**» (14).

در روایات اهل سنت از سعید بن مسیب نقل شده است: نزد ام سلمه بودم که سخن از مهدی (ع) به میان آمد. ام سلمه فرمود: از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: «**المهدي من ولد فاطمه؛ (15) مهدی از اولاد فاطمه است**».

ابو سعید خدری می گوید: رسول خدا (ص) فرمود: «**لا تقوم الساعة حتى تمتلئ الارض ظلماً و عدواناً. قال: ثم يخرج رجل من عترتي (أو من اهل بيتي) يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً؛ قیامت بر پا نمی شود تا این که زمین پر از ظلم و جور شده باشد. فرمود: سپس مردی از عترتم یا از اهل بیتم (تردید از راوی است) قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همان گونه که پر از ظلم و جور شده است**» (16).

ه. نزول حضرت عیسی (ع) و اقتدای او به امام مهدی (ع) از دیگر اموری است که هر دو گروه به آن اشاره کرده اند.

ابوبصیر گوید: از امام صادق (ص) شنیدم که فرمود: «**و ينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلي خلفه؛ نازل می شود روح الله عیسی بن مریم، پس، نماز می خواند پشت سر او (امام مهدی)**». (17)

ابوهریره از راویان بزرگ عامه از پیامبر (ص) نقل می کند: «**كيف انتم اذا نزل ابن مريم فيكم و امامكم منكم؛ چگونه اید زمانی که فرزند مریم فرود آید؛ در حالی که امام شما فردی از خودتان است؟**»

در صحیح مسلم که از اصلی ترین کتب حدیثی اهل سنت است آمده است که جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر (ص) نقل می کند که حضرت فرمودند: دائماً طایفه ای از امت بر حق و ظاهرند تا روز قیامت. سپس فرمود:

عیسی بن مریم از آسمان فرود آید. امیر آن ها به حضرت عیسی می گوید پیش آی و برای ما امامت کن او در جواب می گوید: خیر به راستی بعضی از شما بر بعضی دیگر امیر است برای اکرام خدا بر این امت. (18)

ابوسعید خدری از رسول خدا (ص) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه؛

(19) از ما است کسی که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده و نماز می گزارد.»

و. معرفی و بیان علایم ظهور نیز از دیگر امور مورد اتفاق است.

جابر از امام باقر (ع) نقل می کند: پس فرود می آید امیر لشکر سفیانی (همراه لشکرش) به (زمین) بیداء. پس

منادی از آسمان ندا دهد: «ای بیداء نابود کن قوم (لشکر) را». پس آن ها را در خود فرو می برد. (20)

عایشه از پیامبر (ص) نقل کرده است: لشکری آهنگ کعبه می کند. پس هنگامی که به زمین بیداء درآمدند،

(زمین) همه آن ها را فرو می برد. (21)

البته موارد اتفاقی دیگری نیز وجود دارد، مانند: امدادهای الهی، طلوع خورشید از مغرب، مشخصات ظاهری امام،

فراوانی نعمت در زمان ظهور، بیعت بین رکن و مقام و...

چرا اهل تسنن معتقدند امام زمان (ع) هنوز به دنیا نیامده است؟

تمام مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، به اصل آمدن امام مهدی (ع) و قیام او اعتقاد دارند و این، به سبب روایات

بسیار زیادی است که از پیامبر اسلام (ص) در این باره نقل شده است که به آمدنش بشارت داده و حتی اوصاف

و ویژگیهای جسمی او را نیز ذکر کرده است؛ مانند این که بر گونه راستش خال سیاهی دارد و بین دو دندان

پیشینش، فاصله است. در روایات متعددی، نسب آن حضرت نیز ذکر شده است؛ مانند این که مهدی (ع)، از

فرزندان علی و فاطمه (ع) و نهمین از فرزندان حسین (ع) و ششمین از فرزندان جعفر صادق (ع) و پنجمین از

فرزندان موسی بن جعفر (ع) و نام پدرش حسن (ع) است.

وجود روایات فراوان درباره مهدی موعود، اعتقاد به آمدن مهدی را در آخرالزمان، قصیده ای مسلّم میان مسلمانان

قرار داده است؛ اما درباره ولادت آن حضرت، میان شیعه و اکثریت اهل سنت، اختلاف است. عدم اعتقاد بسیاری

از اهل سنت به ولادت حضرت مهدی (ع) علت‌هایی دارد، از جمله:

1. مخفی بودن ولادت آن حضرت:

آمدن مهدی موعود، از همان زمان نبی اکرم و صدر اسلام، امری مسلّم و شایع و مورد توجه مسلمانان بود.

سلاطین و حاکمان وقت هم از آن اخبار بی اطلاع نبودند و شنیده بودند که مهدی موعود، از نسل فاطمه و

حسین به وجود می آید و حکومت ستمکاران به دستش منقرض می گردد و تمام زمین را از حکومت حق خود و

عدل و داد پر خواهد کرد؛ به ویژه روایات متعددی که می گفت او، نهمین از فرزندان حسین (ع) است؛ لذا از

پیدایش و ظهور او، در بیم و هراس بودند و در صدد بودند به هرگونه این خطر را از حکومت خود دفع کنند؛ به همین سبب، خانه های بنی هاشم به ویژه خانه امام حسن عسکری (ع) به شدت تحت کنترل و مراقبت مأموران مخفی و علنی دولت عباسی قرار داشت. حتی معتمد عباسی، به عده ای از زنان قابله مأموریت سرّی داده بود در خانه های بنی هاشم به ویژه خانه امام حسن عسکری (ع) رفت و آمد کنند و مراتب را گزارش دهند. او پس از شهادت امام عسکری (ع)، دستور داد خانه آن حضرت را تفتیش و بازرسی کنند و گروهی از زنان قابله را فرستاد تا تمام کنیزان آن حضرت را معاینه کنند و اگر آبستنی بین آنان دیده شد، بازداشت کنند. حتّی به خانه امام عسکری (ع) هم اکتفا نکرد و دستور داد تمام خانه های شهر را با کمال دقت بازرسی و کنترل کنند. (22) ولادت حضرت مهدی (عج) نیز به دلیل وضعیت سخت آن زمان، مخفی بود و امام حسن عسکری (ع) فرزند بزرگوار خود را تنها به خواص و معتمدان از شیعیان خود نشان می داد و او را امام و حجت بعد از خود معرفی می کرد. با این وضعیت، طبیعی است، اهل سنّت که از اهل بیت پیامبر فاصله گرفته بودند، از ولادت آن حضرت مطلع نشوند؛ هر چند بنابر روایات رسیده از نبی اکرم (ص)، حضرت مهدی (عج) از اولاد امام حسن عسکری (ع) و نهمین فرزند از نسل امام حسین (ع) معرفی شده بود.

2. اجتناب از برخی لوازم احتمالی پذیرش ولادت حضرت مهدی (ع):

گفتیم روایاتی که درباره مهدی موعود آمده، بسیار زیاد و از نظر مضمون، بسیار متنوع است. در روایات بسیاری، از پیامبر اکرم نقل شده که تعداد امامان و خلفای بعد از من، دوازده نفر است. مجموع روایات شیعه و سنی در این باره 925 حدیث است. در بسیاری از همین روایات، به نام دوازده نفر تصریح شده و این که اولشان امام علی (ع) و آخرشان امام مهدی موعود (عج) است و این که نه نفر از آنان، از نسل امام حسین (ع) هستند. در تعدادی از این روایات، تمام دوازده نفر نامشان یک به یک ذکر شده است. همچنین در روایات متعددی آمده است که مهدی (ع)، از اولاد امام علی (ع) است (214 حدیث) و مهدی (ع) از اولاد فاطمه (س) است (192 حدیث) و امام مهدی (ع) نهمین از اولاد امام حسین (ع) است (148 حدیث) و امام مهدی (عج) از اولاد امام محمد باقر (ع) است

(103 حدیث) و امام مهدی (عج) ششمین اولاد امام جعفر صادق (ع) است (99 حدیث) و این که امام مهدی (ع) فرزند امام حسن عسکری (ع) است (145 حدیث) و نام پدر مهدی، حسن است (148 حدیث). برای اطلاع تفصیلی، مراجعه کنید به کتاب منتخب الأثر، نوشته آیت الله صافی گلپایگانی که این احادیث را به تفصیل و با ذکر منابع و مصادر شیعی و سنی آن نقل کرده است.

با توجه به این احادیث چنین به نظر می رسد که پذیرش ولادت حضرت مهدی (ع) از امام حسن عسکری (ع) توابعی دارد که تأیید عقیده شیعه در امامت و خلافت بلافصل امام علی (ع) و یازده فرزندان او است و اگر اهل سنت آن را بپذیرند، می بایست خود را به زحمت و تکلف انداخته و به گونه ای در صدد توجیه برآیند؛ یعنی، پذیرش ولادت حضرت مهدی (ع) به طور حتم و لزوم، به پذیرش نظر شیعه در مسأله خلافت و امامت نمی انجامد؛ ولی اهل سنت را مقابل انبوهی از روایات قرار می دهد که باید خود را به زحمت و مشقت توجیه آن

روایات بیندازند، لذا از اصل، ولادت آن حضرت را منکر می شوند. ناگفته نماند شیعه، به دلیل عقلی، لزوم وجود امام را در هر عصر و دوره اثبات می کند و معتقد است هیچگاه زمین از حجت خدا و واسطه فیض خالی نیست؛ ولی اهل سنت، اینگونه مسایل و ادله عقلی را قبول ندارند.

نظر عامه (اهل سنت) درباره ولادت امام مهدی (ع) چیست؟

میان عامه درباره این موضوع دو دیدگاه وجود دارد:

الف. اکثر آنان ولادت امام مهدی (ع) را قبول ندارند؛ بلکه معتقدند او در آخر الزمان به دنیا می آید.

ب. برخی از آنان، ولادت حضرت را پذیرفته اند؛ برای نمونه، موارد زیر ارائه می شود:

1. محمد بن یوسف شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان، می گوید:

در تألیف کتاب، اخبار و روایات مربوط به مهدی صاحب الزمان را از غیر از طرق شیعه نقل کرده ام؛ هرچند آنچه شیعه در این زمینه معتقد است و پذیرفته است، صحیح و نقل آن، درست است.

این کتاب، بر 25 فصل مشتمل است که در هر فصل، تنها روایاتی را که از دیدگاه اهل سنت معتبر است، نقل می کند. برخی از فصلهای کتاب عبارت است از: مهدی در آخرالزمان خروج می کند؛ مهدی از نسل فاطمه زهرا است؛ حضرت عیسی در آخرالزمان به او اقتدا می کند؛ نام و کنیه اش، همانند پیامبر اکرم است؛ صفات و رنگ و کهرهی حضرت مهدی؛ امام صالحی است که خلیفه الله است.

فصل بیست و پنجم این کتاب، در این زمینه است که مهدی از زمان غیبتش که در سرداب سامرا اتفاق افتاد، تاکنون زنده و باقی است. او، به اشکالاتی که در زمینه طول عمر حضرت و غیبت آن بزرگوار وجود دارد، پاسخ میدهد.

2. محمد بن طلحه شافعی در کتاب مطالب السؤؤل فی مناقب آل الرسول می گوید:

مهدی منتظر، در سال 258 ق، در سامرا متولد شد. پدرش، حسن بن علی بن محمد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی المرتضی است. نام او محمد و کنیه اش ابوالقاسم و از القاب او حجت و خلف صالح و منتظر است.

سپس روایاتی را از پیامبر درباره مهدی (ع) موعود نقل می کند مبنی بر اینکه: «مهدی، از نسل من و از فرزندان فاطمه و همنام من است؛ در آخرالزمان قیام می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند، بعد از آن که از ظلم و جور پر شده است. این قیام، حتمی است، حتی اگر یک روز از عمر دنیا بیشتر باقی نمانده باشد». وی پس از ذکر این روایات، آن ها را بر همان ابوالقاسم محمد بن حسن بن علی ابن ابیطالب متولد 255 ق تطبیق می کند و به اشکالها و شبهاتی که در این باره ممکن است مطرح شود، پاسخ می دهد.

3. سبط ابن جوزی حنفی در کتاب تذکرة الخواص می گوید: حضرت حجت مهدی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب است. کنیه او، ابوعبدالله

و ابوالقاسم است و او است حضرت حجت و صاحب الزمان و قائم منتظر.

سپس از عبدالله ابن عمر روایتی نقل می کند که رسول گرامی اسلام گفت: در آخر الزمان، مردی از فرزندان من قیام می کند که نام او همانند نام من و کنیه اش همانند کنیه من است و زمین را از عدل و داد پر می کند پس از آن که از ظلم و جور پر شده است.

4. عبدالوهاب شعرانی در کتاب البیواقیت و الجواهر، که در بیان آرای اکابر و بزرگان علمای اهل سنت در مسائل مختلف عقیدتی است، فصلی را به وقایعی که پیش از روز رستاخیز و پایان دنیا حتما اتفاق می افتد، اختصاص داده است که یکی از آن وقایع، قیام حضرت مهدی است که مفصلاً درباره آن بحث کرده است. او از قول برخی از اکابر علمای اهل سنت، نقل می کند که «مهدی، فرزند حسن عسکری است که در نیمه شعبان سال 255 ق متولد شد و زنده باقی خواهد ماند، تا با عیسی ظهور کند و اکنون که سال 958 هجری است، 703 سال از عمر شریف او می گذرد».

نیز از قول شیخ محیی الدین عربی چنین نقل می کند: خروج مهدی، حتمی است بعد از آن که زمین از ظلم و جور پر شود؛ به گونه ای که حتی اگر یک روز از عمر دنیا بیشتر باقی نمانده باشد، حتما مهدی قیام می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند. او، از نسل پیامبر اکرم (ص) و فاطمه (س) است و جدش، حسین بن علی بن ابیطالب است و پدرش حسن عسکری، فرزند علی النقی، فرزند محمد التقی، فرزند علی الرضا، فرزند موسی الکاظم، فرزند جعفر الصادق، فرزند محمد الباقر، فرزند زین العابدین علی، فرزند حسین، فرزند امام علی بن ابی طالب (علیهم السلام)، است. اسمش، اسم رسول خدا و چهره اش، شبیه رسول خدا است و.... (23)

ما به ذکر همین چند نمونه بسنده می کنیم. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به: کفایة الموحدين نوشته شیخ طبرسی و الامام المهدی، اثر سید محمدکاظم قزوینی.

مرکز تخصصی مهدویت

پی نوشت ها :

1. fotorism.

2. و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أنَّ الارض یرثها عبادی الصالحون؛ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد».

3. ر.ک: معجم احادیث الامام مهدی، ج 5.

4. الطرائف، ترجمه داوود الهامی، ص 347.

5. بحث حول المهدی، ص 103 و 104.

6. عقائد الامامیه، ص 77.

7. ناصرالدین البانی، حول المهدی، مجله التمدن الاسلامی، سال 1371 ق.

8. عبدالمحسن بن حمدالعباد، «عقیده اهل السنة والاثار فی المهدی المنتظر»، مجله جامعة اسلامیه، ش 3.

9. سوره نور آیه 55.

10. بحار الانوار، ج 52، ص 390.

11. مسند احمد، ج 3، ص 28.
12. بحارالانوار، ج 51، ص 81.
13. مستدرک حاکم، ج 4، ص 557.
14. بحار الانوار، ج 51، ص 43.
15. سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1386، ح 4086.
16. مسند احمد، ج 3، ص 36.
17. کمال الدین، ج 2، ص 345، باب 33، ح 31.
18. صحیح بخاری، ج 3، ص 1272، ح 3265.
19. صحیح مسلم، ج 1، ص 137.
20. مسند احمد، ج 1، ص 84.
21. غیبت نعمانی، ص 279، ح 67.
22. صحیح بخاری، ج 2، ص 279، ح 2012.
23. الارشاد مفید، اعلام الوری شیخ طبرسی، اصول کافی مرحوم کلینی.
24. البیواقیت و الجواهر، ج 2، ص 143.
25. کتاب مزامیر، مزمور 37، بندهای 9 و 38.
26. همان، مزمور 72.
27. همان.
28. کتاب اشعیای نبی، باب 59.
29. همان، باب 32.
30. کتاب زکریای نبی، باب 14.
31. کتاب دانیال نبی، باب 12.
32. کتاب حبقوق نبی، فصل 2، بندهای 3.
33. انجیل متی، باب 24.
34. انجیل مرقس، باب 13.
35. انجیل لوقا، باب 12.
36. انجیل یوحنا، باب 5.
37. مستر هاکس آمریکائی، قاموس کتاب مقدس، به نقل از کتاب ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، نوشته سید اسدالله هاشمی شهیدی.
38. فروردین یشت، از اوستا، فقره 129.
39. پورداد، سوشیانس، ص 10 و 8.
40. دینکرد، کتاب نهم، فصل 58، فقره 15.
14. . oshida
42. اوشیدری، دانش مزدیسنا، ص 137.
43. وینکرد، کتاب نهم، فصل 32، فقره اول.

44. پور داود، سوشیانس، ص 46.

45. بندهش هندی، بخش 26.

46. یادگار جاماسب (جاماسب نامه)، ترجمه صادق هدایت، ص 8 و 117.

47. اوستا، زامیاد یشت، ص 94، یسنا ص 3 و 13.

48. اوپانیشاد، ترجمه محمد دار اشکوه، ج 2، ص 637.

49. بشارات عهدین، ص 246.

50. همان.

51. همان، ص 272.

52. همان، ص 245.

53. این مطالب درباره انجمن حجتیه از کتاب جریان ها و سازمان های مذهبی و سیاسی، نوشته رسول جعفریان ص 268 چاپ انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پاییز 83، استفاده شده است که با دقت در مطالب، پاسخ سؤال به طور مشروح روشن می شود.